

## روش قرآن در تبیین مسائل تاریخی

تورج امیری\*

### چکیده

قرآن کریم که کتاب «مبین» و «تبیان کل شی» است، مکرر و به شیوه‌ای خاص به روایت تاریخ پیشینیان پرداخته و بر تاریخ‌نگاری مسلمین مؤثر بوده است. این کتاب آسمانی به روایت چرایی و چگونگی بعضی از وقایع پرداخته، رخ دادن شکست‌ها و پیروزی‌ها را بیان داشته و به مسائلی مثل تحریف، غلو و کتمان حقایق تاریخی اشاره دارد.

تاریخ همواره مورد انتقاد، به‌ویژه از سوی فیلسوفان تاریخ بوده است. اندیشمندان با طرح روش‌های پژوهش در تاریخ، به اندیشه و دیدگاه «تبیین» در مسائل تاریخی رسیدند و روش‌هایی برای تشخیص و فهم حقایق و واقعیات تاریخی ابداع نمودند. یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، روش تفسیری است.

تفسیر همواره لازمه آیات قرآن بوده و با آن قرین است. همچنین رویکرد قرآن کریم به تاریخ نیز رویکردی انتقادی است و سؤالی که با آن مواجهیم، روش قرآنی «تبیین» در روایت تاریخ است. در این مقاله تلاش بر آن است که آموزه‌ها و اندیشه‌های قرآنی که حاکی از این موضوع است، به‌صورت موضوعی و تطبیقی بررسی شود و روش قرآن در تبیین مسائل تاریخی مشخص گردد.

### واژگان کلیدی

فلسفه انتقادی تاریخ، علم تاریخ، تبیین، تفسیر.

---

\*. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه و دانشجوی دکتری گرایش تاریخ و تمدن اسلامی  
دانشگاه معارف اسلامی.  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۳  
toraj.amere@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۵

## مقدمه

«تبیین» در فلسفه انتقادی تاریخ و علم تاریخ جنبه اصطلاحی دارد و هدف آن تقرب به واقعیات و کشف حقایق تاریخی و فهم آنهاست؛ در نتیجه تکامل نظریه‌پردازی‌های فیلسوفان تاریخ در حیطه علوم انسانی و روش‌های نوین روایت تاریخ در سایه تأثیر علوم تجربی بر علوم انسانی و نیز سرایت روش‌های تحقیق جامعه‌شناسی و سایر علوم اجتماعی حاصل گردید؛ به طوری که تعدادی از فیلسوفان تاریخ با استفاده از روش‌های تبیین در سایر علوم دست به تبیین تاریخی زدند. سپس منتقدان به روش‌های علوم طبیعی باعث تکامل اندیشه تبیین شدند و به نتایجی دست یافتند. آنچه از نظر بعضی اسلام‌شناسان و شرق‌شناسان به‌دور مانده و یا مورد توجه دقیق قرار نگرفته، جایگاه و توجه و اهتمام مسلمانان به تاریخ‌نگاری و روش‌های تبیین آن بوده که باید به‌طور شایسته به آن پرداخته شود.

تأکید قرآن کریم بر روایت تاریخ و شناخت و تدبیر در سرگذشت و سرنوشت امم، ملل و انسان‌های گذشته، بیانگر اهمیت وقایع تاریخی و علم به آن می‌باشد. در بسیاری از آیات قرآنی، موضوعات تاریخی مکرراً روایت گردیده و تعدادی از سوره‌های بزرگ قرآن درباره سرگذشت و احوال پیشینیان و ادیان پیش از اسلام است. قرآن کریم به تاریخ انبیا و امت‌هایی مثل عاد، ثمود، لوط و بنی‌اسرائیل و ... پرداخته و گزارش‌های کلی و اجمالی درباره آنها می‌دهد؛ اما همچون یک کتاب تاریخی و روایی وارد جزئیات و همه مسائل مربوط به آنها نمی‌گردد؛ چنان که در بعضی آیات نیز به این موضوع اشاره شده است: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَأَ قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا ...»<sup>۱</sup>

این شیوه قرآن در طرح مسائل تاریخی، بعضی محققان مانند علامه طباطبایی، آیت‌الله معرفت و دیگران را بر آن داشته که هدف اصلی بیان مسائل تاریخی را عبرت‌آموزی بدانند.

قرآن کریم انسان‌ها را به سیر و مطالعه در آثار و احوال گذشتگان امر می‌کند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»<sup>۲</sup>. سبک و سیاق چنین آیاتی بیانگر این مطلب و پیام مهم است که بعضی واقعیات و حقایق در تاریخ گذشته ناگفته مانده و یا تحریف گردیده؛ به طوری که پیامبر ﷺ و قومش از آن بی‌اطلاع بوده‌اند و خدا با وحی به پیامبر آن را برای او و امتش باز گفته است. هدف اصلی قرآن در طرح مسائل تاریخی، رسیدن به تعقل و تفکر و در نهایت، معرفت است؛ به طوری که قرآن بعضی مسائل مربوط به توحید و یا اخلاق را که منجر به حقایق گردد، در قالب آیات تاریخی بیان داشته است. اما کشف واقعیات، خود مرحله پیشین رسیدن به معرفت و حقایق می‌باشد؛ از این رو بعضی آیات شامل روایت تاریخ و در جهت واقع‌گرایی تاریخ است؛ یعنی کیفیت وقوع رخدادها

۱. هود (۱۱): ۴۹.

۲. انعام (۶): ۱۱.

که همگان می‌فهمند و برخی آیات نیز در جهت نیز حل مسائل اختلافی است که میان پیروان ادیان وجود داشته است. تفسیر و تأویل آیات تاریخی خود نوعی تبیین و بالاتر از آن، تعلیل و چرایی بعضی رخدادهاست که مواردی از آنها در بعضی آیات آمده و با اندیشه «تبیین» قابل توضیح است.

هدف از این جستار آن نیست که بخواهیم آیات قرآنی را با فلسفه و اصطلاحات مربوطه به آن شرح دهیم؛ بلکه پژوهشگر به شیوه تطبیقی و همچنین موضوعی با مطالعه یک موضوع از قرآن درباره آن سؤال می‌کند و می‌کوشد در این بررسی‌ها، تجارب به‌دست آمده از اندیشه و نظرگاه قرآن را که برتر است، برجسته نماید. این همان سخنی است که قرآن پژوهان جدید به آن اذعان دارند:

تفسیر موضوعی یک محاوره و گفتگو با قرآن و گرفتن پاسخ از آن است، نه یک عکس‌العمل منفی، یعنی تأثیرپذیری در مقابل قرآن. تفسیر موضوعی علمی است فعال، با هدف و در نتیجه آن، متن قرآن در یکی از حقایق بزرگ زندگی به‌کار گرفته می‌شود.<sup>۱</sup>

در این مقاله با الهام از این روش و همچنین مطالعات تطبیقی، به‌دنبال یافتن آموزه‌ها و روش مشخص کتاب الهی در موضوع تبیین مسائل تاریخی هستیم؛ زیرا قرآن در این موضوع نکات کلیدی ظریف و دقیقی بیان داشته که دیدگاه فلسفه انتقادی تاریخ با آن همسو و الهام‌بخش مفسران و مورخان اسلامی در مباحث روایی بوده است. مهم‌ترین اقسام تبیین، یعنی علمی (قانونمند)، عقلانی (علی) و روایی نیز قابل بحث و بررسی است.<sup>۲</sup>

### تبیین<sup>۳</sup>

مورخ علاوه بر «چیستی» تاریخ باید به «چرایی» و «چگونگی» و همچنین «فهم» مسائل بپردازد و به‌اصطلاح آنها را تبیین نماید.<sup>۴</sup>

این توجه و تأکید بر فهم می‌تواند با معارف نهفته در قرآن کریم همسو باشد. خدا با وصف «تلك آیات الكتاب المبين»، روشن‌گر بودن قرآن را صفت این کتاب آسمانی دانسته است. «تبیین» در قرآن واژه عامی است که در همه موضوعات به‌کار رفته و به این کتاب نسبت داده شده است. کلمه «تبیین» در لغت به‌معنای ایضاح و اظهار و روشن شدن چیزی است.<sup>۵</sup>

ابن منظور این واژه را به‌معنای «ایضاح» و «وضوح» آورده و یکی از وجوه معنایی آن را که به

۱. صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن کریم، ص ۳۲.

۲. آیین‌هوند، تاریخ اسلام، ص ۱۹.

3. Explanation.

۴. مفتخری، مبانی علم تاریخ، ص ۸۶.

۵. طباطبایی، المیزان، ج ۳۶، ص ۱۷۶.

موضوع تاریخ مربوط می‌باشد، به معنای بیان قصه انبیا ذکر کرده که با تأمل همراه باشد: «التبیین الثبیت فی الامر و التأنی فیہ»<sup>۱</sup>.

این واژه در فرهنگ‌ها و کتب فلسفی به صورت‌های مختلفی<sup>۲</sup> آمده که می‌تواند معادل مشتقات معانی قرآنی آن در نظر گرفته شود.<sup>۳</sup>

مقوله «تبیین» در سه‌گونه معرفت تاریخی، یعنی فلسفه نظری تاریخ، علم تاریخ و فلسفه علم تاریخ قابل بحث می‌باشد. در علم تاریخ جزئیات تاریخی مورد بررسی مورخ قرار می‌گیرد؛ در فلسفه نظری تاریخ کلیت تاریخ بشر مورد تبیین است و در فلسفه علم تاریخ، روش‌های مختلف تبیین می‌تواند به‌عنوان معرفت درجه دوم مورد بحث و بررسی قرار گیرد.<sup>۴</sup>

فلسفه نظری تاریخ را جزو معرفت‌های درجه اول در نظر می‌گیرند؛ زیرا قوانین و گزاره‌های آن ناظر به واقع‌اند و از پدیده‌ها و حوادث واقعی سرچشمه می‌گیرند. در فلسفه نظری تاریخ، محقق از دل پدیده‌ها و حوادث قوانینی را به‌دست می‌آورد. اما فلسفه انتقادی تاریخ از معرفت‌های درجه دوم محسوب می‌گردد؛ زیرا قواعد و گزاره‌های به‌دست آمده در آن قیاسی است و به‌اصطلاح از نوع علم به علم می‌باشد.<sup>۵</sup>

با غلبه و گسترش روش‌های تحقیق در علم، فیلسوفان علم تلاش کردند پدیده‌ها را در حالت خاصی که دارند، یعنی «چرایی» آنها تبیین نمایند.<sup>۶</sup>

در تبیین علّی تاریخ، مسائل جزئی بسیاری هست که نیاز به پاسخ دارد؛ علل و عوامل پیروزی‌ها، شکست‌ها، انقلاب‌ها و قیام‌ها در پاسخ به چرایی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تبیین علّی تاریخ، وقایع خودبه‌خود به‌وجود نمی‌آیند؛ بلکه علت آنها باید شناسایی و مشخص گردد. در واقع تبیین علّی عبارت است از تحقیق در تاریخ با بررسی اعمال و رفتار افراد در گذشته، به‌طوری که در خلال آن علت‌ها نیز بازشناسی می‌گردد.<sup>۷</sup>

گاهی مورخ در پاسخ سؤالاتی برمی‌آید که ناظر به پرسش‌هایی است که شامل «چه»، «چگونه»، «چه موقع»، «کجا»، «چه کسی» می‌باشد که در پاسخ، به توصیف وقایع تاریخی

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۶۳.

2. Explanation, Illustrating, Explaining.

۳. خرمشاهی، فرهنگ و اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، ص ۱۱۰.

۴. مفتخری، «توصیف، تبیین و تفسیر در تحقیقات تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۴۶.

۵. استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ص ۳۲۵ - ۳۲۱.

۶. نراقی، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ص ۷.

۷. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ص ۲۵.

می‌پردازد. از این نظر، تبیین نوعی تفسیر است.<sup>۱</sup>

لیتل چندان بین چرایی و چگونگی تفاوت نمی‌گذارد و قائل به مرزبندی در تبیین نیست. وی در تبیین یک پدیده یا رویداد، علاوه بر پاسخ‌گویی به سؤالات از جنس «چرا»، به سؤالات از جنس «چگونه» نیز پاسخ می‌دهد، اما تأکیدش بر «چرایی» آن است؛ زیرا در چرایی به دنبال شناسایی علت یا علل وقوع یک رخداد هستیم.<sup>۲</sup> اما برخی دیگر پاسخ به چرایی پدیده‌ها را قابل حصول نمی‌دانند؛ زیرا علم نمی‌تواند ضرورت رویدادها را به دست آورد؛ و نه ضرورت منطقی و نه مطلق. از نظر آنها، تنها پاسخ‌های کیفی قابل بررسی است.<sup>۳</sup>

اگرچه در تبیین، چرایی همواره می‌تواند مطرح باشد، اما عده‌ای - چنان‌که دیتای هم بین فهم و تبیین تمایز می‌نهاد - فهم را مقدم بر مشاهده مسائل می‌دانند و به جای «علت»-یابی، تأکیدشان در مسائل تاریخی بر «دلیل» است که مفهومی انسانی است.<sup>۴</sup>

### فیلسوفان جدید

انتقاد به تاریخ به معنای فلسفی آن مسئله‌ای دامن‌دار که تا قرن نوزدهم، روش‌شناسی آن کمتر مطرح بود و پیشینه آن را باید در گذشته‌ای دورتر دنبال نمود؛ آنجا که ارسطو، فیلسوف معروف عصر باستان، شناخت تاریخی را فروتر از مقوله شعر که دارای عنصر خیال است، دانست. بسیاری از فیلسوفان جدید مانند دکارت، ولتر، هیوم و دیگران، تاریخ را به دیده انتقادی می‌دیدند و حتی درباره آن نظراتی گزنده ابراز داشته‌اند؛ به طوری که فیلسوف معروف تجربه‌گرا، دیوید هیوم، معجزات کتب مقدس را که جنبه تاریخی داشت، به کلی رد و آن را براساس پیش‌فرض‌های علوم، مردود شمرد. ویلیام دری می‌گوید: «تحلیل فلسفی تاریخ‌نگاری است که به توصیف و تبیین منطقی، عقلانی و معرفت‌شناسی آنچه مورخان انجام می‌دهند، می‌پردازد.»<sup>۵</sup>

مفهوم اصطلاحی تبیین، متأخر است و پیدایش آن به قرن ۱۹ میلادی باز می‌گردد؛ یعنی زمانی که فیلسوفان پوزیتویست معتقد بودند همه علوم همچون علوم تجربی، قوانین تجربی دارند و تاریخ را نیز از جمله علوم تجربی به حساب آوردند.<sup>۶</sup>

۱. فروند، آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی، ص ۵۶.

۲. لیتل، تبیین در علوم اجتماعی، ص ۶.

۳. مناف‌زاده، «سرچشمه‌های تحولی شگرف در شیوه تاریخ‌نگاری درباره مکتب آنال»، نگاه نو، ش ۲۸، ص ۴۲.

۴. ملکیان، «روش‌شناسی در علوم سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۴، ص ۵۸.

۵. ادواردز، مجموعه مقالات دایره‌المعارف فلسفه، ص ۴.

۶. همان، ص ۷.

انتقاد به تاریخ و عدم علمیت آن به بدبینی نسبت به آن هم کشیده شد و عده‌ای را بر آن داشت که تاریخ را یک سری تصادفات و حوادث که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف روی داده، بدانند و در نتیجه، اطلاعات حاصل از آن را ناقص و حتی دروغین قلمداد کنند. دلفیکو در اثرش به نام *اندیشه‌هایی در باب تاریخ* به عدم قطعیت، بی‌فایده‌گی و تکراری بودن تصادفات و اتفاقات قائل گردید.<sup>۱</sup>

انتقاد و انکار مطالعات تاریخی، دلایل دیگری نیز داشت. ویلهلم دیلتای، تاریخ را جزءنگرانه و شامل توصیفات خاص دانست و هاینریش ریکرت، تاریخ را دانشی ارزش‌گذار معرفی نمود.<sup>۲</sup> انسان که خود محور تاریخ است، هم مطالعه‌کننده است و هم مطالعه‌شونده؛ بنابراین از دیدگاه‌های ارزشی نمی‌تواند برکنار باشد.<sup>۳</sup>

در پاسخ منتقدان به تاریخ، در نیمه دوم قرن نوزدهم موضوع تبیین تاریخ شکل مشخص و مطرحی به خود گرفت؛ این زمانی بود که نظریه‌های علم در علوم انسانی سرایت کرده بود؛ به طوری که دانشمندان از نوعی «مکانیک بشری» سخن می‌گفتند و آن را به روش تحلیل تاریخ نیز سرایت می‌دادند.<sup>۴</sup>

پوزیتویست‌ها به «فیزیک اجتماعی» در مسائل تاریخی قائل شدند؛ چراکه اندیشه انسان نیز می‌تواند نظام‌مند باشد.<sup>۵</sup> فیلسوفان بانفوذی چون ویلهلم دیلتای و هاینرش ریکرت، به تمایز و جدایی مطالعات در موضوع علوم طبیعی و علمی که به انسان به‌عنوان موجودی که دارای روح است، تأکید می‌ورزیدند. آنان به دوگانگی در روش‌شناسی قائل بودند و اساساً ساختار منطقی تبیین تاریخی را که به علوم انسانی مربوط می‌شد، با علوم طبیعی متفاوت دانستند. این فیلسوفان برای این دوگانگی دلایل عمده‌ای دارند:

ماهیت بشر با سایر موجودات متفاوت است و انسان همواره در زمینه فرهنگ اجتماعی خود است و قانون ثابتی ندارد؛ بنابراین نمی‌توان از روش علوم تجربی و قوانین آن درباره رفتارهای انسانی حکم نمود. از طرفی رفتارهای انسان غایت‌مند است و انسان همواره اهداف و مقاصدی دارد و رفتارهای انسان در سایه آن غایبات قابل تعیین است و این با شناخت انگیزه‌ها و نیات و مقاصد درونی به‌دست خواهد آمد و نمی‌توان آن را براساس قوانین تجربی کشف کرد.

۱. زرین کوب، *تاریخ در ترازو*، ص ۱۷.

۲. ادواردز، *مجموعه مقالات دایرةالمعارف فلسفه*، ص ۵.

۳. استنفورد، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ص ۶۷.

۴. ادواردز، *مجموعه مقالات دایرةالمعارف فلسفه*، ص ۳۴.

۵. جمعی از نویسندگان، *ویژه‌نامه اسلام*، ص ۸.

مورخان به حوادث و جریاناتی که تنها یکبار اتفاق می‌افتد، به‌طور خاص می‌پردازند. آنان به انقلابات، تسلسل و به‌هم پیوستگی شرایط و مقتضیات و شخصیت‌ها به‌طور خاص نگاه می‌کنند؛ چون این رویدادها منحصر به فرد هستند، نه عام؛ بنابراین تحت قوانین کلی نمی‌گنجند.<sup>۱</sup>

### قانون فراگیر

با غلبه دیدگاه پوزیتیویست‌ها و مدل قانون فراگیر<sup>۲</sup> توسط کارل. جی. همپل، نظریه تبیین منطقی به شیوه علوم طبیعی مجدداً مطرح شد. وی مدعی شد مورخان می‌توانند رویدادهای تاریخی را دقیقاً به شیوه‌ای که دانشمندان علوم طبیعی به تحقیق در عالم طبیعت می‌پردازند، دنبال نمایند. در مدل همپل، مجموعه گزاره‌هایی که کاملاً تأیید شده و بیانگر شرایط ضروری باشند، به‌اضافه مجموعه‌ای از فرضیات قوانین کلی، به‌عنوان مقدمه استنتاج قرار می‌گیرند. در این مدل، ساختار هر تبیین با ساختار هر نوع پیش‌بینی برابر دانسته می‌شود.<sup>۳</sup>

پوزیتیویست‌ها مدعی‌اند در مسائل اجتماعی و تاریخی هم می‌توان به روش علوم تجربی به اندیشه و استدلال پرداخت. مثال زیر، نمونه‌ای از این تبیینات است:

«اگر بخواهم افتادن سفال شیروانی سقف خانه‌ام را تبیین کنم، آنچه نیاز است به آن اشاره کنم، چیزی است شبیه اینکه آن قطعه سفال با از دست دادن تکیه‌گاه خود، رها شده بود، به‌اضافه قانون عام جاذبه. به‌همین نحو اگر مورخان بخواهند سقوط امپراتوری هابسبورگ<sup>۴</sup> را تبیین کنند، آنچه لازم است معلوم کنند، مجموعه شرایط مقدم بر آن است، به‌اضافه گزاره‌های حاکی از قوانین مناسب که نشان‌دهنده قابل پیش‌بینی بودن وقوع آن است.»<sup>۵</sup>

بسیاری از محققان برجسته تاریخ از مدل همپل در تحقیقات خویش استفاده نمی‌کنند. فیلسوفان ایدئالیست که مطالعات تاریخی خود را براساس مدل‌های قیاسی تبیین می‌نمایند، به این روش منتقدند. کالینگود تبیین را براساس بازآفرینی<sup>۶</sup> روانی - ذهنی افراد قرار می‌دهد. وی معتقد بود حدس و شناخت عقلانی مسائل انسان در صورتی امکان‌پذیر است که خارج از انسان باشد.<sup>۷</sup> کالینگود می‌گوید: تاریخ‌نویس بیش از آنکه واقعیات را براساس مدارک و اسناد روایت کند، آن را شرح می‌دهد.

۱. ادواردز، مجموعه مقالات دایرةالمعارف فلسفه، ص ۳۴.

2. Cvering law Model.

۳. همان، ص ۳۷ - ۳۶.

4. Hapsburg.

۵. جمعی از نویسندگان، ویژه‌نامه اسلام، ص ۸.

6. Re enactment.

7. Collingwood, *The idea of history*, P. 67.

به نظر وی، این شرح و ترجمه خصلت زبانی دارد و هر تاریخ‌نویس، اندیشه‌ای مستقل و متعلق به خود دارد که بیش از هر چیز، متعلق به فکر و اندیشه اوست.<sup>۱</sup>

کالینگود روش پوزیتیویستی را چنین نقد می‌کند که رویدادهای طبیعی با افعال انسانی تناسب چندانی ندارند؛ رویدادهای طبیعی جنبه «بیرونی» دارند، اما افعال انسانی جنبه «درونی» یا «فکری» دارند. بنابراین برای شناخت افعال باید فاعل را شناخت؛ اما افکار، نیات، انگیزه و مقاصد انسان‌ها قابل اندراج تحت قوانین عام نخواهد بود.<sup>۲</sup>

مدل تبیینی همپل اگرچه تلاشی است در جهت کشف مسائل تاریخی، اما چنان کلی و گاه غیر قطعی است که تبیین‌گر بودن آن را منتفی می‌سازد؛ به‌ویژه آنکه درباره مسائل ماورای طبیعت مانند معجزات تاریخی و سنن الهی هیچ‌گونه کمکی نمی‌کند، بلکه کاملاً برخلاف آن است. الگوی همپل ضمن انتقاداتی که به آن وارد است، نمی‌تواند همه مسائل تاریخ را حل کند و فیلسوفان فقط با مضمون محوری آن، مطالبات این الگو را فرو می‌کاهند.<sup>۳</sup>

در تبیین دارای شمول محدود، مورخ در محدوده زمانی و مکانی به شناخت عمیق دوره‌ای خاص می‌پردازد و به اصطلاح خودشان را عمیقاً درگیر دوره‌های مورد مطالعه‌شان می‌سازند. آنان با این شیوه به قوانینی دست می‌یابند که حداقل قابل تعمیم بر یک دوره زمانی نسبتاً طولانی است. بیان شرایط، به‌ویژه شرط ممتاز در وقوع یک رخداد، به‌طوری‌که آن شرط برای نتیجه موردنظر کافی باشد، شناخت شرایط پیشین یک رویداد مورخ را به چگونگی رخ دادن اتفاقات و جریان‌ها رهنمون می‌سازد. چگونگی امکان وقوع، اگرچه به معنای خود واقع نیست، اما گامی است جهت نزدیک شدن به آن؛ یعنی رسیدن به تبیینی ناظر بر ضرورت وقوع.

تأکید مایکل اکشات و ر. ج. کالینگود در تبیین روایی بر ماهیت حوادث تاریخی، یعنی «نوع خاص» بودنشان می‌باشد که با مدل ارائه‌شده توسط همپل ناسازگار است. اکشات الگوی «پیوستگی» را براساس قوانین قیاسی پیشنهاد می‌دهد. وی مورخان را زمانی موفق به تبیین مسائل تاریخی می‌داند که بتوانند رویدادهای مبانی را تکمیل نموده و به دنبال آن، آنها را قابل فهم گردانند؛ یعنی ماهیت ارتباط بین شرایط متقدم با شرایط متأخر را نشان دهند. بنابراین، به نظر اکشات تفصیل رویدادهای تاریخی مهم‌تر از هر چیز است.<sup>۴</sup>

در این روش، یک رویداد را جزئی از یک جریان تاریخی می‌بینند و تلاش بر آن است که ارتباط

۱. هیوز وارینگتن، پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ص ۸۳.

۲. جمعی از نویسندگان، ویژه‌نامه اسلام، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. همان، ص ۱۶.



میان آن رویداد و رویدادهای دیگر را ثابت کنند، سپس به علل آن پردازند. اساس روش تبیین تاریخی (نقلی) آن است که روابط یک رویداد مورد بحث با سایر رویدادها را ریشه‌یابی کنند و روابط درونی و ذاتی میان آنها را کشف نمایند تا جایگاه آن در بستر تاریخ مشخص گردد.<sup>۱</sup> در این نوع تبیین، علت‌ها جستجو نمی‌شود؛ بلکه رویدادها صرفاً روایت می‌شوند. یک گزارش دقیق از چگونگی وقوع حوادث - چنان که اوکشات درباره این نظریه می‌گوید - گزارشی است از چرایی وقوع آنها.<sup>۲</sup> این نوع از تبیین با تبیین‌های تکوینی<sup>۳</sup> مدنظر برایان فی نزدیکی فراوانی دارد. به گفته وی، توضیحات (تبیین‌های) تکوینی روی هم‌رفته در بیشتر موارد صورتی روایی دارند و واقعه E که باید توضیح (تبیین) داده شود، به‌عنوان مرحله نهایی در توالی وقایعی که منجر به آن شده‌اند، عرضه می‌شود؛ یعنی این نوع توضیحات (تبیین‌های) تکوینی ماجرای را بازگو می‌کنند که از نقطه A آغاز می‌شود به مراحل میانی (A به B، B به C، C به D) می‌رسد و سرانجام، به پایانش E می‌رسد.<sup>۴</sup> به‌نظر درای، یک رویداد آنگاه تبیین می‌گردد که بتوان سیر حوادثی را که علت وقوع آن بوده است، دنبال کرد، نه اینکه فقط علت آن ذکر گردد.<sup>۵</sup>

در این روش محقق به «جمع» رویدادها و سرانجام آنها می‌پردازد. در این شیوه «تبیین اینکه چه چیزی واقعاً بود»، براساس روشنگری و پاسخی رضایت‌بخش و نیز براساس شکل طبقه‌بندی که دامنه‌ای وسیع داد، تحلیل می‌گردد. در این روش که واقعیات تاریخی محوریت دارد، گاهی تبیین با «تفسیر» قرابت می‌یابد؛ اما در تفکر تاریخی تمایز قاطعی بین تبیین و تفسیر وجود ندارد. این روش دربردارنده نظرات بسیاری از فیلسوفان تاریخ، اعم از پوزیتیویست‌ها و ایدئالیست‌هاست و در آن عناصری از اندیشه‌های همپل، اکشات، کریستلر، مینک و والش به‌چشم می‌خورد. این روش واقع‌گرایی به شکل روشمند، دست همه فیلسوفان تاریخ را در تبیین مسائل تاریخی باز می‌گذارد تا بتوانند به تبیین مسائل مختلف تاریخی پردازند.<sup>۶</sup>

در روش‌های تفسیری، فهم از متن یا واقعه تاریخی اهمیت دارد. روش دیلتای در تبیین که یک روش تفسیری (هرمنوتیکی) است، براساس «فاهمه»، به‌معنای درک و شناخت گونه‌ای محتوای ذهنی است که می‌تواند یک اندیشه، قصد یا احساس باشد که در نشانه‌های خاص نظیر کلمات یا

۱. ادواردز، مجموعه مقالات دایرةالمعارف فلسفه، ص ۵۰ - ۳۳؛ استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ص ۱۶۱.

۲. همان، ص ۲۳۱.

### 3. Genetic Explanation.

۴. فی، فلسفه امروزی علوم اجتماعی، ص ۲۹۷ - ۲۹۶.

۵. ادواردز، مجموعه مقالات دایرةالمعارف فلسفه، ص ۴۲.

۶. اچ درای، تبیین و فهم تاریخ، ص ۱۸.

اشارات عینیت یافته است. به نظر دیلتای، استفاده از سایر علوم و روش‌ها مانند مشاهده، توصیف، طبقه‌بندی، استقرا، استنتاج، تعمیم، مقایسه، آزمایش و ... بدون استفاده از فاهمه ممکن نمی‌گردد. در روش وی، همه مظاهر و جلوه‌های بشری بخشی از تاریخ هستند که باید به شیوه تاریخی تبیین شوند و مورخ باید با نفوذ عمیق در دوره‌های مختلف، نقطه‌نظرهای خاص افراد و اندیشه و تعلق خاطرشان را بفهمد؛ از همه مهم‌تر، مورخ که خود به افق‌های فکری زمانه خویش تعلق دارد، نباید گذشته را با چشم‌انداز خود ببیند.<sup>۱</sup> دیلتای در روش تبیینی خویش به دیدگاه‌های هرمنوتیکی که الهام‌یافته از شلایر ماخر و دیگران بوده است، گرایش یافته و مسائل تاریخی را قابل تفسیر می‌داند.<sup>۲</sup>

*آیزایا برلین* تعریفی درونی از اندیشه تبیین ارائه داده است:

تبیین عبارت است از کشف باطن یا پدیدار ساختن صورتی که در زیر است. وظیفه تبیین در علم یا در تاریخ کوششی است در این راه که آشفتگی‌های ظاهری به‌عنوان انعکاسی ناتمام و ناقص از نظر کامل و تمام‌عیار باطن تلقی شود تا بتوان هر چیز را در موضوع خاص خود مشاهده کرد.<sup>۳</sup>

این اندیشه برلین که مبتنی بر تأویل به‌عنوان نوعی تفسیر است، بیانگر وجود اندیشه‌های هرمنوتیکی میان اندیشمندان تاریخ می‌باشد.

دو نکته مهمی که ویکو در روش تاریخ‌نگاری آموخت، اهمیت بالایی دارد؛ اول اینکه آگاهی افراد در مورد رویدادهای تاریخی نسبت به آنان که در زمان وقوع به‌عنوان شهود حضور داشته‌اند، بیشتر است. دوم اینکه نباید هر اظهارنظری را که از سوی افراد در گذشته ارائه شده، واقعیت دانست. ویکو می‌گوید: حقیقت تاریخی باید از راه بررسی واژه‌ها، اسطوره‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم به‌دست آید. تأکید وی بر اتیمولوژی، به‌ویژه زبان و تفکر است که می‌تواند در تبیینات تاریخی به‌کار گرفته شوند.<sup>۴</sup>

پوپر در موضوع تبیین تاریخی، اندیشه خود را از کالینگود اخذ نمود. او به نقد و بررسی نظریه وی پرداخت و مسئله بازآفرینی گذشته را از او پذیرفت؛ اما برخلاف کالینگود که تبیین را براساس بازآفرینی روانی - ذهنی افراد قرار می‌داد، پوپر بازسازی و تحلیل شرایط و موقعیت<sup>۵</sup> را پیشنهاد داد. استدلال پوپر در ارجحیت نظریه‌اش بر نظر کالینگود آن بود که حدس و شناخت عقلانی مسائل انسان در صورتی امکان‌پذیر است که خارج از انسان باشد. به عقیده وی، این شیوه به

۱. ادوارز، مجموعه مقالات *دایرةالمعارف فلسفه*، ص ۲۷۹ - ۲۷۸.

2. Rickman, *Wilhelm Dilthey: Pioneer of the Human Studies*, P. 208.

۳. برلین، *چهار مقاله درباره آزادی*، ص ۱۵۱.

4. Giambattista vico, *Historical Imagination and knowledge*, P. 68 - 69.

5. Situational Analysis.

روش بالفعل علوم طبیعی امکان‌پذیر است.<sup>۱</sup>

روش‌های یادشده در تبیین تاریخی روایی، عقلانی، قیاسی، علمی و توصیفی که هر کدام می‌تواند در کشف وقایع و رخدادها به کار گرفته شوند و مورخ را در کشف واقعیت کمک کنند، هر یک به تنهایی محدودیت‌هایی نیز دارند؛ روش‌های پوزیتیویست‌ها فاقد کارایی و توان لازم در تبیین مسائل و رخدادهایی با علل ماورایی و ارزشی هستند؛ چنان‌که به بعضی از موارد آن مانند کلی بودن قوانین و ابطال‌پذیری فرضیه‌های علمی اشاره شد. در روش تفسیری نیز دو خطر را نباید از نظر دور داشت؛ اول احتمال تفسیر به رأی و دوم، تفسیر مادی متون مقدس نصوص الهی و مادی پنداشتن آنها. اما آنچه در این تلاش در جهت تبیین تاریخی به دست آمد، تفسیر روشمند سؤالات تاریخی است که بیشتر به توصیف می‌پردازد؛ توصیفی که در آن عنصر تحلیل و همچنین تعلیل به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد این فیلسوفان در مجموع درباره تبیین تفسیری به دیدگاه‌های روایی، زبان‌شناسانه، پدیدارشناسانه و هرمنوتیکی (تاویلی) گرایش یافته‌اند.

### مفهوم قرآنی تبیین

قرآن کریم که کلامش مبین است و به علل و عوامل شکل‌دهنده رخدادهای تاریخ اشاره می‌کند و همه عناصر مؤثر در تبیین مانند قواعد، عقل، علم، تفکر و تدبیر را داراست، در قابل تفسیر بودن آیات آن به‌ویژه آیات مربوط به مسائل تاریخی، محقق را در عرصه شرح و بیان آنها قرار می‌دهد. بنابراین باید در مقام تبیین آنها برآمد.

«تفسیر» در لغت به معنای آشکار کردن، کشف و پرده برداشتن از منظور و مراد متکلم است.<sup>۲</sup> سیوطی نیز آن را به معنای بیان و کشف آورده است.<sup>۳</sup> از نظر لغوی، واژه تبیین در قرآن و فرهنگ اسلامی با تفکر و تأمل و تثبیت، تائی و اتضاح همراه است که به معنای روشن ساختن و مشخص کردن قصص روایات و اخبار تاریخی آمده است. این مفهوم می‌تواند در معنای اصطلاحی مورد نظر یا همان فلسفه انتقادی تاریخ فیلسوفان تاریخ به کار گرفته شود.

«تبیین» و «تفسیر» در قرآن تقریباً مترادف‌اند؛ بنابراین می‌توان از روش‌های تفسیری مانند تفسیر روایی، لغوی، عقلی - قیاسی، فلسفی، علمی و ... در تبیین آیات تاریخی بهره جست. قرآن کریم بر موضوع روشنگری و بیان همه موضوعات تأکید فراوانی دارد و از آنجاکه کتابی

۱. مفتخری، «دیدگاه فیلسوفان»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۱۳۸۰.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۴.

۳. سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۱۷۳.

قابل تفسیر و تأویل و نیز کتاب عقل و علم است، می‌تواند راهنما باشد که در این زمینه، روش و اصطلاحات خاص خود را دارد و آیات و سوره‌های متعددی را به آن اختصاص داده است. قصص و انباء و اخبار و ایام و دیگر اصطلاحات قرآن، الهام‌بخش مسلمین در تاریخ‌نگاری و روایت تاریخ بوده است.<sup>۱</sup> علاوه‌براین، یکی از ویژگی‌های قرآن، ذکر پیشینیان، یعنی همان تاریخ زندگی و سرگذشت پیشینیان و انسان‌هاست: «ذَكَرَ رَحْمَتَ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا». این ذکر شامل حال همه دوره‌هاست و شرح حال معاصرین را نیز در برمی‌گیرد: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ».<sup>۲</sup> با توجه و دقت نظر در این دسته از آیات می‌توان چنین دریافت که قاعده و قوانین جامعه و اجتماع انسان‌ها با مطالعه تاریخی قابل بررسی و به‌عبارت قرآنی، قابل تدبر و تفسیر و به‌اصطلاح قابل تبیین می‌باشد؛ زیرا شمول تاریخ، گذشته و حال را نیز در بر می‌گیرد.

قرآن به قصه‌پردازی و یا تاریخ‌نگاری به شیوه معمول نپرداخته، اما به مخاطبان کلید روایت صحیح تاریخ و روش تحقیق و مطالعه آن را به‌دست داده و ملاک‌هایی را تعیین نموده است؛ به‌طوری‌که با رعایت و به‌کارگیری آنها می‌توان به واقعیات و حقایق تاریخی دست یافت. از موضوعاتی که دیدگاه انتقادی تاریخ را به‌وضوح نشان می‌دهد و ضرورت تبیین تاریخی را الهام می‌بخشد، می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

۱. تکیه بر تحقیق و تفحص براساس استقرای علمی و ذهن سلیم انسان: «فَبَشِّرْ عِبَادَ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ». <sup>۳</sup>

۲. موضوع تفسیر آیات قرآنی و بعضی شأن نزول‌ها که برای روشن شدن آیات به آن نیاز است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ». <sup>۴</sup>

۳. مسئله مهم تحریف در تاریخ ادیان آسمانی یهود و مسیح که از آن به اسرائیلیات تعبیر می‌شود. قرآن به صراحت به این اختلافات اشاره می‌کند که قطعاً نیاز به تبیین دارند: «... يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ». <sup>۵</sup>

۴. عبرت گرفتن، به‌معنای عبور کردن از ظاهر به باطن که خود مرحله‌ای از شناخت معرفتی است که با تعقل و تفکر ممکن است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ و

۱. سجادی و عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۸.

۲. مریم (۱۹): ۲.

۳. انبیاء (۲۱): ۱۰.

۴. زمر (۳۹): ۱۸ - ۱۷.

۵. ص (۳۸): ۲۹.

۶. مائده (۵): ۱۳.

لَكِنَّ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>.

۵. پرهیز از غلو، خرافات و افسانه‌ها و اسطوره‌های خیالی: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ»<sup>۲</sup>.

۶. رفع اختلاف بین ادیان و مذاهب و تأکید بر «علم» و «عقل» و در نهایت، حقیقت‌جویی: «يَا

أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»<sup>۳</sup>.

۷. توجه به چگونگی رخ دادن حوادث و واقعیات: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ»<sup>۴</sup>.

۸. در تبیین «چرایی» پاره‌ای از رخدادها، قرآن مخاطب را به علل آن توجه می‌دهد و آن را

براساس سنن الهی و حکمت بالغه تبیین می‌نماید: «تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوُلَهَا بَيْنَ النَّاسِ...»<sup>۵</sup>.

### تفسیر تاریخ در قرآن

نقل روایات و وقایع تاریخی در قرآن که با محوریت سرگذشت انبیا و مربوط به دین و عقاید زمان آنهاست، در بیشتر موارد به‌اجمال بیان شده است: «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ \* وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا»<sup>۶</sup>. شایان ذکر است با وجود اینکه قرآن کتابی تاریخی نیست<sup>۷</sup>، اما حجم آیات تاریخی آن نسبت به سایر موضوعات بیشتر است. بنابراین لزوم تفسیر و تأویل آن روشن است؛ زیرا قرآن به‌اجمال سرگذشت‌ها و وقایع انبیا و امم مربوط به آنان را نقل می‌کند و از جهتی نیز شأن نزول را بیان نکرده و چنان‌که پیداست، در نقل تاریخ انبیای پیشین با اهل کتاب اختلاف دارد. بنابراین تفسیر و تبیین آیات امری اجتناب‌ناپذیر است که محقق و یا مفسر از آن استفاده می‌کند تا بتواند به جزئیات و تفصیل وقایع دست یابد.<sup>۸</sup>

مفسران در تفسیر دارای روش‌هایی هستند که براساس آنها می‌توان به تبیین آیات پرداخت. بنابراین باید مبانی، اصول، قواعد، ضوابط، منابع و مناہجی که مفسر را به مقصود می‌رساند در نظر داشت و از علوم مورد نیاز و راه‌های معقول و منطقی به کشف حقایق پرداخت.<sup>۹</sup> بدین جهت، روش‌های تفسیر براساس شیوه و ابزار فهم می‌تواند قرآن با قرآن و نیز روایی یا عقلی، علمی و امثال آن باشد.

۱. یوسف (۱۲): ۱۱۱.

۲. نساء (۴): ۱۷۱.

۳. آل عمران (۳): ۶۵.

۴. فیل (۱۰۵): ۱.

۵. آل عمران (۳): ۱۴۰.

۶. نساء (۴): ۱۶۴.

۷. معارف، «روش قرآن در طرح وقایع و سرگذشت‌های تاریخی»، فصلنامه صحیفه مبین، ش ۳۹، ص ۱۲.

۸. مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ص ۳۲.

۹. همان، ص ۲۶.

در تفسیر آیات قرآن دو روش میان پیروان قرآن وجود داشته است؛ اول روش تفسیر نقلی مأثور که به نصوص تفسیری - تأویلی استناد می‌کند. کسانی مانند محمد بن جریر طبری، ابن کثیر، جلال‌الدین سیوطی، سید هاشم بحرانی، عیاشی و فیض کاشانی چنین روشی داشته‌اند. انتقاد مهمی که متوجه این روش است، ضعف سند، وضع، جعل و اسرائیلیات است که روایت تاریخ را با مشکل مواجه می‌سازد.<sup>۱</sup>

تأویل بدین معناست که معنای آیاتی را جز نبی ﷺ و ائمه علیهم السلام که همان راسخان در علم هستند، نمی‌دانند و خارج از قواعد بشری و مربوط به بطن است. جمعی از مفسران مانند طبری، قرطبی، آلوسی، شیخ طوسی، طبرسی و دیگران، تأویل را همان تفسیر و اهداف آنها را یکی دانسته‌اند. بعضی نیز معتقدند تأویل و تفسیر و معنا مترادف و واحدند.<sup>۲</sup> بسیاری هم تأویل را مغایر با تفسیر دانسته‌اند. البته بیشتر مفسران تأویل را به معنای تبیین معنای متشابه و یا معنای احتمالی، معنای باطنی الفاظ و درنهایت، معنای حقیقت متعالیه در لوح محفوظ دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

در دومین روش تفسیر غیر مأثور، براساس دگراندیشی و به‌وسیله ابزارهایی چون عقل‌گرایی، علم‌گرایی، ادب‌گرایی، باطنی‌گرایی و ... مبانی خاصی در تفسیر خود اعمال نمودند. ایراد مهمی که به این روش وارد شده، بیم تحمیل کردن هریک از این عناصر در فهم آیات است.<sup>۴</sup>

از این دو روش می‌توان مطالبی مهم و اساسی در باب تبیین برداشت نمود؛ یکی آنکه روایات تاریخی همواره خلاً و نواقص و به‌اصطلاح افتادگی دارند و دیگری ورود جعلیات و تحریفیات در آنهاست. نکته مهم، ورود آرا و برداشت‌های فکری و روش‌ها و حتی سلیقه‌های فردی و گروهی و صنفی است که به اظهار نظر افراد و تفسیرشان از وقایع مربوط می‌شود که در نتیجه آن احتمال می‌رود مسائل ارزشی متعلق به آنها واقعیت را تحت تأثیر خود قرار دهد. شاید علت تأکید فراوان بر تحذیر از تفسیر به این دلیل بوده است. اما در تبیین آیات از همه منابع تفسیری می‌توان در جهت نیل به حقایق کمک گرفت؛ عده‌ای در این راه سنت و عقل را مهم‌تر دانسته و آن را شامل قرآن، روایت، لغت، منابع تاریخی، عقل و اندوخته‌های تجربی دانسته‌اند.<sup>۵</sup>

### استفاده از قواعد تفسیری

یکی از مهم‌ترین معیارهایی که در فهم و شناخت متن مورد استفاده قرار می‌گیرد، تسلط بر ادبیات و

۱. سعیدی روشن، علوم قرآن، ص ۳۱۴ - ۳۱۱.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳. رجیبی، روش‌شناسی تفسیری قرآن، ص ۳۳.

۴. همان، ص ۳۱۵.

۵. بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۶۳.

آگاهی از معانی و مفاهیم کلمات و مفردات آن است که شامل عدم اکتفا به معنای ارتکازی، به‌دست آوردن معنای واژه‌ها براساس فرهنگ زمانه آن و بسیاری از موارد مربوط به قواعد زبان می‌شود. استفاده از قرائن و سیاق و پیوستگی، شأن و اسباب نزول، ارتباط موضوعی و تبیین و روشن شدن مفاد و مقصود کامل بعضی آیات با آگاهی از حوادث و وقایع تاریخی که سال‌ها قبل از نزول رخ داده، ممکن می‌شود.

از آنجاکه زبان قرآن شامل مواردی مانند اخباری و انشایی، حقیقی و مجازی، کنایی، عرفی و عمومی، رمزی، علمی، تخصصی، ادبی، تمثیلی، اسطوره‌ای و ... می‌شود،<sup>۱</sup> همه علوم انسانی، عقلی، ادبی، لغوی، تاریخی، طبیعی (تجربی) و ... می‌تواند در تبیین آیات مؤثر باشند. بسیاری از قرآن‌پژوهان از علوم مختلف در تفاسیر استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال، علم به واژه‌ها و لغات می‌تواند در فهم و تفسیر بسیار مؤثر باشد. اگر مفسر بداند هر واژه‌ای در زمان نزول متن دارای چه معنا و مفهومی بوده است، در تبیین آیات می‌تواند به آنها استناد جوید.<sup>۲</sup> همچنین آگاهی از تاریخ و جغرافیا و امثال آن که می‌تواند در تبیین سیر تحولات مورد استفاده قرار گیرد.

تفسیر قرآن به قرآن نیز یکی از روش‌های تفسیر است. به‌عنوان نمونه، قرآن کریم در تبیین این مسئله تاریخی که چرا اقوام و انسان‌ها «الهی» و یا «اله» می‌پرستیدند و آن را ترک نمی‌کردند و با انبیا به مجادله می‌پرداختند،<sup>۳</sup> علت آن را مسائل اجتماعی و یا اقتصادی و امثال آن دانسته و در سوره مریم به آن اشاره می‌کند: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا».<sup>۴</sup>

طرح مسائل به این صورت که در یک سوره به آن اشاره می‌کند، اما بقیه جریان را در جایی دیگر بیان می‌دارد، می‌تواند الهام‌بخش مخاطبان در تحقیق و جستجو و تفکر و اندیشیدن جهت فهم مسائل باشد.

## روش روایی

قصص و اخبار بعضی از انبیای بزرگ و اقوام و امت‌های آنان در قرآن ذکر گردیده است؛ مثلاً سرگذشت حضرت یوسف علیه السلام، سرگذشت حضرت موسی علیه السلام از دوران کودکی تا نبوت و در سوره هود روایت کاملی از دوران حضرت نوح علیه السلام ذکر شده است. این نمونه‌ها در نوع خود شرح نسبتاً مفصلی

۱. مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ص ۱۸۳.

۲. همان، ص ۲۳۷.

۳. قَالُوا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ. (هود (۱۱): ۵۳)

۴. مریم (۱۹): ۸۱.

است که به شیوه روایی بیان شده است؛ به طوری که پیوستگی رخدادها در آن کاملاً پیداست؛ نمونه آن، مبارزه موسی علیه السلام با فرعون است که روایت آن از همان دوره کودکی شروع می‌شود: «تَتَلَوُ عَلَیْكَ مِنْ نَبِیِّ مُوسَىٰ وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ یُّؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>.

ذکر حوادث مهم و کلیدی دوران زندگی یک انسان بزرگ و تأثیرگذار از کودکی تا رسیدن به کمال، خود نمونه یک سرگذشت تاریخی کامل به‌شمار می‌رود که می‌تواند بیانگر همان سبک پیوسته باشد که در تبیین مسائل تاریخی مؤثر است. تقسیم‌بندی مراحل یک سرگذشت از ابتدا تا انتها، شیوه تبیین قرآن است که نمونه‌هایی درباره سایر انبیا نیز دارد و از آن با عنوان «احسن القصص» یاد شده است. همچنین در برخی روایت‌ها به بعضی جزئیات هم اشاره می‌شود و به نمونه‌هایی از عقل‌اندیشی و تحلیل مسائل در جریان روایت اشاره می‌شود که نمونه‌های آن را در داستان نوح، ابراهیم، یوسف، موسی، و عیسی علیهم السلام می‌توان دید.

در بعضی آیات خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله نام و دوره تاریخی تعدادی از انبیا نیز ذکر می‌شود؛ اما می‌گوید: «وَ رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَیْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَیْكَ وَ كَلَّمَ اللّٰهُ مُوسَىٰ تَكْلِیْمًا»<sup>۲</sup>.

قرآن کریم تأکید در روایت تاریخ و مسائل تاریخی بر «راوی» است و روش «سؤال از اهل ذکر» را پیشنهاد می‌کند و به ما می‌آموزد که برای شناخت وقایع تاریخی، از افرادی که دارای علم و آگاهی کامل به موضوعات هستند، پرسش نماییم: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِیَ إِلَیْهِمْ فَاَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ \* بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَیْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَكَّرُونَ»<sup>۳</sup>. شأن نزول این آیه را درباره عالمان اهل کتاب در عصر نزول دانسته‌اند که به عادی بودن ارسال سولان و انزال کتب از طرف خدا واقف بوده و می‌توانستند به کفار قریش که منکر موضوع رسالت بودند و آن را به جن و القای شیطان نسبت می‌دادند، پاسخ داده و آنان را مجاب نمایند.<sup>۴</sup>

اهل ذکر در هر دوره و زمانه مصادیق خاص خود را دارد؛ اما امامان معصوم علیهم السلام و عالمان وابسته به آنها مصادیق حقیقی این آیه هستند که تاریخ حیات علمی و معرفتی آنان گواه بر آن است و روایات عامه و خاصه آن را تأیید می‌نمایند. از یکی از ائمه علیهم السلام درباره اهل ذکر سؤال شد؛ فرمود: «نحن

۱. قصص (۲۸): ۳.

۲. نساء (۴): ۱۶۴.

۳. نحل (۱۶): ۴۴ - ۴۳.

۴. رازی، تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۶، ص ۲۲۷.



اهل ذکر و نحن المسئولون»<sup>۱</sup>. پیامبر ﷺ خود بنا بر تأکید قرآن آیات را تفسیر نمود: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»<sup>۲</sup>. روش روایی در بین محدثان و راویان معمول بوده و مورخان اسلامی که دارای روش روایی در نقل تاریخ بودند نیز از این شیوه استفاده می‌کردند. محمد بن جریر طبری که در اثر تاریخی‌اش از شیوه روایی بهره برده، از ابن مسعود گزارش کرده که آنها از روش تفسیری پیامبر که همه آیات را تبیین می‌نمود، پیروی می‌کردند.<sup>۳</sup> طبری در تبیین آیات تاریخی قرآن علاوه بر بهره از خود قرآن، از دو شیوه دیگر نیز استفاده برده؛ اول سخنان پیامبر ﷺ و دوم، شواهد ادبی.<sup>۴</sup>

این شیوه که برگرفته از آموزه‌های قرآنی و اساسش بر وثوق، امانت و اتقان بر راویان است، بر مورخان اسلامی مانند طبری، یعقوبی، مسعودی و ... مؤثر افتاد و این روش را در آثار خود به کار گرفتند.<sup>۵</sup>

### روش تفسیری

قرآن کریم در شناخت مسائل تاریخی روش عقلانی را بر اساس قوه تشخیص هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی که در فطرت همه مخاطبان هست، تعلیم می‌دهد. عقل از ابزاری مانند لغت، آیات و روایات (قراین پیوسته و ناپیوسته کلام) بهره برده و به کاوش و استدلال می‌پردازد؛ اما با توجه به آنکه عقل تنها قطعیات و بدیهیات را می‌پذیرد، فرضیاتی که در علوم دیگر مطرح می‌شود، چندان مورد اعتنا نخواهد بود.<sup>۶</sup> معرفت‌های بدیهی و برهان‌های قطعی و مسلم می‌تواند در فهم و تبیین آیات مؤثر باشد. به‌عنوان نمونه، آیه «وَكَلَّمَآ جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنُتَرَكِي...»<sup>۷</sup> به قرینه اینکه با توجه به اوصاف خدا در آیات دیگر، عدم رؤیت خدا با چشم سر امری بدیهی دانسته شده، تفسیر شده است.<sup>۸</sup>

تفسیر عقلی آیات به‌علت فاصله گرفتن از عصر نزول قرآن به دلیل عوامل مهمی چون اختلافات

۱. رسولی محلاتی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۶ - ۵۵.

۲. نحل (۱۶): ۴۴.

۳. طبری، جامع البیان عن تأویل القرآن، ص ۲۹.

۴. بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۶۵.

۵. آیین‌ه‌وند، علم تاریخ در اسلام، ص ۷۲ - ۷۱.

۶. بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۳۱۲.

۷. اعراف (۷): ۱۴۳.

۸. بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۲۶۰.

مذهبی و انتقال علوم جدید به حوزه اسلام، نیاز مکاتب و فرق به اجتهادهای عقلی و قیاسی را در دفاع از عقاید و اندیشه‌های خود پیش آورد؛ زیرا روش روایی قابلیت پاسخ‌گویی به مسائل مختلف را ندارد.<sup>۱</sup> بنابراین بهره‌گیری از عقل و عقل‌گرایی در بین مفسران باعث پدید آمدن روش‌های عقلی در تفسیر گردید؛ به طوری که بسیاری از مفسران از روش عقلی - قیاسی استفاده کردند. تفاسیری مانند *روض الجنان*، *مجمع البیان*، *روح المعانی* از این نمونه‌هاست.

بعضی محققان که از اندیشه‌های قرآنی بهره برده‌اند، به مطالعه و نقد تاریخ پرداختند. ابن خلدون را می‌توان از پیش‌گامان تبیین تاریخی به شیوه جدید به‌شمار آورد. او می‌گوید: «اما در باطن اندیشه و تحقیق درباره حوادث و مبادی آنها و جستجوی دقیق برای یافتن علل آنهاست و علمی است درباره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی آنها».<sup>۲</sup> این علل حقیقی تنها با عقل‌اندیشی مصطلح و به عبارتی قیاس و امثال آنها حاصل نمی‌آید. در واقع در بسیاری از مواردی که مورخ یا مفسر براساس علل و عوامل فرضی خود یک رخداد را تبیین می‌نماید، خطر تفسیر به رأی همواره در کمین اوست و او را از واقعیت و حقیقت باز می‌دارد. این همان مشکل عمده‌ای است که بسیاری از اندیشمندان جدید تاریخ ممکن است در دام آن گرفتار آیند؛ یعنی تکیه بر عقل خودبنیاد و یا علم جزئی‌نگر و قیاس و گمان و تفسیر به رأی.

این نکته مهم که چگونه در میان اقوال و روایات متعدد، مختلف و حتی متضاد «قول احسن» را برگزینیم، می‌تواند براساس عقل تبیین شود؛ اما عقلی که قرآن همواره بر آن تأکید دارد، عقلی است بدون شائبه تعصب، خودمحوری، جزئی‌نگری، قیاس، گمان و امثال آن؛ بلکه عقلی است روشن‌بین و عاری از هوا و هوس: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ».<sup>۳</sup> در تفسیر این آیه گفته شده برای برگزیدن قول صحیح باید از قوه عقل و اندیشه استفاده نمود. این آیه بیانگر «آزاداندیشی» و عدم تعصب می‌باشد که یادآور همان پاسخ به «ارزشی» بودن روایت تاریخ است؛ زیرا یکی از آفات و آسیب‌های مهم در داوری و قضاوت جهت تشخیص حقایق، داوری از روی «تعصب» و «لجاجت» است.<sup>۴</sup>

یکی از وجوه معنایی عقل که علامه طباطبایی هم به آن اشارت دارند، عقل به معنای عدم لجاج و عناد است. ایشان می‌گویند: «هستند گروهی که حق را فهمیده‌اند، اما آگاهانه و تعمداً به آن

۱. رجبی، *روش‌شناسی تفسیری قرآن*، ص ۳۲۵.

۲. ابن خلدون، *مقدمه*، ج ۱، ص ۲.

۳. زمر (۳۹): ۱۸.

۴. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۹، ص ۴۱۵.

پایند نیستند.»<sup>۱</sup>

در آیات دیگر نیز بر این شیوه تأکید گردیده و از اهل ایمان خواسته شده از «پیش‌داوری» و تصدیق اخبار قبل از شناخت صدق و کذب آن بپرهیزند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...»<sup>۲</sup>. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، روش قرآن در این موضوع را چنین بیان می‌دارد: «معنای آیه این است که ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی نزد شما خبری مهم آورد، خبرش را تحقیق و پیرامون آن بحث و فحص کنید تا به حقیقت آن واقف شوید، تا مبدا که بدون جهت و به نادانی بر سر قومی بتازید، بعداً از رفتاری که با آنان کرده‌اید، پشیمان شوید.»<sup>۳</sup> ایشان شرط موثق بودن خبر را دو چیز می‌دانند: ۱. تواتر؛ ۲. توأم بودن با قرائن قطعی. اما اگر این دو شرط نبود، مثلاً خبر واحد بود، وقتی می‌تواند معتبر باشد که حداقل وثوق و اطمینان را داشته باشد یا به‌حسب نوع خبر یا راوی آن (مثلاً متخصص یک فن)، وثوق آور باشد.<sup>۴</sup>

این آیه می‌تواند دربردارنده موضوع مهم «پیش‌فرض»های ذهنی انسان در قضاوت‌ها، اعم از تاریخی و غیر آن نیز باشد که همواره در قضاوت‌ها و داوری‌ها تأثیرگذار است؛ همان مطلبی که امروزه پدیدارشناسان درباره آن سخن دارند. یکی از انتقادات مهمی که در تبیین مسائل تاریخی مطرح می‌شود، موضوع پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌هاست که می‌تواند در کشف واقعیات تأثیر بگذارد. طرف‌داری و یا علاقه و مسائلی مانند تعصب و حتی عقیده در این‌باره بسیار اهمیت دارد و معمولاً مورخان در کار خود، یعنی روایت تاریخ، به آن مبتلا هستند. پدیدارشناسان مدعی‌اند پیش‌داوری‌ها را با روش تعلیق کردن و هم‌افقی تحلیل می‌نمایند.<sup>۵</sup>

این تعالیم قرآنی تبیینی بودن روایت تاریخ را می‌آموزند و حامل دو مطلب مهم‌اند؛ اول توجه به راویان مورد وثوق و مستند بودن یک خبر و دوم، عدم پیش‌داوری که بر این‌اساس تبیین یک خبر که احتمال صدق و کذب آن می‌رود، ممکن می‌گردد.

### روش عقلی - علمی

قرآن کریم براساس «علم» به تبیین و رفع اختلاف می‌پردازد؛ این رفع اختلاف یک وجه تبیین تاریخ است. بنابراین نیاز به تاریخ، به‌ویژه علم به آن احساس می‌شود. این آموزه قرآنی انگیزه مهمی بود تا

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۱۵۷.

۲. حجرات (۴۹): ۶.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۳۶، ص ۱۷۶.

۴. همان.

۵. خاتمی، پدیدارشناسی دین، ص ۸۳.

مسلمانان به تحقیق و پی‌جویی مسائل تاریخی بپردازند. به‌عنوان مثال، اهل کتاب درباره ابراهیم علیه السلام اختلاف و نزاع داشتند و هرکدام مدعی بودند ابراهیم از آنهاست. قرآن در مقام تبیین به آنان می‌گوید: مگر نمی‌دانند که ابراهیم علیه السلام قبل از نزول تورات و انجیل بوده است: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا...»<sup>۱</sup> اما قرآن کریم قبل از مرحله تبیین علمی - عقلانی، روایت تاریخ را اجمالاً توصیه می‌کند.

واژه‌ها و اصطلاحات تاریخی فراوانی در قرآن کریم به موضوع تاریخ اختصاص پیدا کرده است؛ اصطلاحاتی مانند اخبار، حدیث، انباء، قصص، به‌ویژه اصطلاح عبر و الايام که بیانگر رویکرد الهی قرآن کریم به تاریخ می‌باشد. اخبار گذشتگان و پیشینیان، اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین اخبار عرب و رویدادهای مربوط به آن در سایه توجه قرآن به اخبار بوده است.<sup>۲</sup>

توصیه قرآن به «سیر فی الارض» به‌معنای سفرهای علمی است که می‌تواند مورخ را با افق‌های جدید آشنا و به وی وسعت‌نظر دهد. با الهام از این آموزه بود که مورخان بزرگ اسلام به روایت تاریخ اهمیت دادند و مجموعه‌های بزرگی خلق کردند. امر به «سیر فی الارض» در قرآن به‌منظور کشف و شناخت سرگذشت پیشینیان بوده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»<sup>۳</sup> و نیز: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا»<sup>۴</sup>. امام علی علیه السلام درباره چگونگی بررسی تاریخ و ضرورت مطالعه آن سخنی عمیق بیان می‌فرماید که دربردارنده بسیاری از نکات تبیینی در تاریخ است:

پسر! درست است که من به‌اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام؛ پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان‌بارش شناسایی کردم.<sup>۵</sup>

با الهام از این اندیشه‌های بلند است که مورخان اسلامی به تبیین مسائل تاریخی پرداختند. بعضی از این مورخان اندیشمند تنها به روایت صرف نپرداختند؛ بلکه افرادی مانند مسعودی،

۱. آل عمران (۳): ۶۷.

۲. جوادعلی، تاریخ مفصل قبل از اسلام، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. انعام (۶): ۱۱.

۴. محمد (۴۷): ۱۰.

۵. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۷۲.

ابن مسکویه، ابن خلدون و دیگران به چپستی تاریخ و علم به آن توجه کردن و در آثار خویش اشاراتی به تبیین تاریخ داشته‌اند. مسعودی به چگونگی شکل‌گیری پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی در آثار خود اشاره نموده و علل و عوامل آن را در نظر می‌گیرد؛ عواملی مانند تأثیر محیط و جغرافیا بر سبک زندگی افراد، عوامل نژادی، طبیعی، اقلیمی، تحولات اقتصادی، اجتماعی و ... . براین اساس، مسعودی به مسائل محیطی و جغرافیایی مثل شهرها و رودخانه‌ها و کوه‌ها، به‌ویژه اختلاف اقالیم و علل و عوامل آن در مناطق مختلف توجه می‌کند؛ مسائل نژادی و قومی و آداب و رسوم، عقاید و باورها، علوم و اختراعات و بناهای مهم را در پدیده‌های تاریخی در نظر می‌گیرد. مسعودی به تاریخ روایتی - نقلی نگاه انتقادی دارد. وی هرگونه نقلی را با ذهنی انتقادی می‌نگرد؛ به‌ویژه براساس روش عقلی به تحلیل مسائل تاریخی می‌پردازد و بر این نظر است که «هرگز از رأی صواب که عقل بر آن بنا گردید، نباید منحرف شد که هرکس رأی صواب و ثمره عقل را رها کند، به هلاکت افتد.»<sup>۱</sup>

وی افعال و اعمال انسان‌ها را که ناشی از عقل باشد، اصل گزارشات تاریخی قرار می‌دهد و با معیار عقلی سنت‌های مردم را تحلیل می‌نماید و به داوری درباره صحت و سقم آنها می‌پردازد.<sup>۲</sup> در واقع‌گرایی مسائل تاریخی، مسعودی همواره تکیه‌اش بر شاهد و سند و مدرک است و هرگونه نقلی را نمی‌پذیرد و سعی بر آن دارد تا به ریشه‌یابی حوادث، افکار و ایده‌های ملت‌ها و اقوام دست یابد. به‌عنوان نمونه، مسئله تاریخی قوم عاد و ثمود را براساس شواهد به‌جا مانده از آثار و ابنیه آنان تبیین می‌نماید.

قرآن کریم مطالعه آثار گذشتگان و تغییر و تحولات آنان را یکی از راه‌های شناخت و آگاهی انسان می‌داند و قوانین موجود در جامعه و تاریخ را قابل بررسی می‌داند؛ با این تفاوت که قوانین تاریخی همه جوامع گذشته و در حال گذر، به‌ویژه ارتباط بین جوامع حاضر و گذشته را به‌صورت یک کل دنبال می‌کند. بنابراین موضوع تاریخ که همان تحولات جوامع می‌باشد، به‌اضافه عامل زمان در مطالعات تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup> اصرار قرآن بر تحقیق و جستجو در تاریخ به شیوه علمی پس از مشاهده حال گذشتگان، تفکر در احوال آنان و تجزیه و تحلیل زندگی آنهاست که این خود باعث به‌دست آمدن قواعد و قوانینی که بر آنها حاکم بوده است، می‌باشد.

شهید محمدباقر صدر نیز بر بررسی و تتبع به شیوه استقرایی اشاره دارد و درباره این روش

قرآن می‌گوید:

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲. همان، ص ۱۱۹ - ۱۱۸.

۳. مطهری، *مسأله شناخت*، ص ۷۷.

یکی از سنت‌های تاریخی نیز همین است و آیات دیگری از قرآن تأکید بر این دارد که روی حوادث تاریخی، شما استقرا به عمل آورید، دقت و تأمل و تدبر کنید تا از طریق استقرای نوامیس طبیعت و سنن جهان، حقایقی در زمینه علم تاریخ و سنن تاریخی بر شما روشن گردد.<sup>۱</sup>

شهید صدر بر موضوع تبیین تاریخ براساس سنت‌های الهی تأکید می‌ورزد و ما را از اینکه سراسر حوادث را همچون بسیاری از فیلسوفان جدید غرب به علل و عوامل مادی و یا تصادفی ارتباط دهیم و یا آنکه چون الهیون مسیحی همه را به تقدیر الهی موکول نماییم، برحذر می‌دارد و می‌گوید:

قرآن با این فکر به شدت مقاومت کرده، هیچ حادثه‌ای را بی‌جهت و یا از روی اعمال قدرت، لزوم تسلیم در برابر آن توجیه نمی‌کند؛ بلکه برعکس، عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این زمینه سنن و قوانین حاکم است و برای اینکه انسان بتواند به سرنوشت خود حاکم شود، لازم است این سنت‌ها را بشناسد.<sup>۲</sup>

منظور وی از شناخت سنن الهی همان شناخت علمی و روش‌های مربوط به آن است؛ زیرا خدا سرنوشت و تقدیر انسان‌ها را در قالب قوانین و نوامیسی بنا نهاده است که علوم طبیعی هم یکی از آنهاست.

درباره علوم جدید تجربی، برخی اندیشمندان با نقد تفسیر علمی به صورت مطلق به علت احتمال تحمیلی بودن نظریه‌ها و نیز به علت عدم ثبات آنها، به ویژه احتمال انحراف تفسیر علمی به تفسیر به رأی به نقد تفسیر علمی به صورت مطلق پرداخته‌اند؛ اما به طور کلی آن را در فهم آیات مجاز دانسته‌اند؛ زیرا آیاتی در قرآن هست که فهم آنها بدون استفاده از علوم تجربی ممکن نیست.<sup>۳</sup>

روش استقرایی‌ای که در قرآن کریم می‌توان یافت، دستور مؤکد بر مطالعه سرگذشت انسان‌هاست؛ به ویژه توجه به سرگذشت جوامع انسانی و چگونگی زندگی و تمدن آنها. اما سیر این مشاهده براساس علم است؛ به این معنا که این تجربه شامل قوانین عقلی نیز هست؛ یعنی ترکیب «حس» و «عقل» و استفاده از قوانین طبیعی و عقلانی. این روش قرآن با روش علمی که در علوم طبیعی هست، شباهت تام دارد.<sup>۴</sup>

بنابراین اگر معنا و مفهوم تبیین در شیوه تبیین علمی که در آن از تأثیر علل و عوامل در به وجود آمدن و پیدایش یک پدیده بحث می‌شود را بررسی و شناخت همه علل و عوامل مؤثر در پیدایش

۱. صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ص ۲۴۶.

۴. فیلسین، شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، ص ۱۴۲.

جریانات و رخدادها و همچنین کیفیت و چگونگی آنها بدانیم، توصیه و روش قرآن آن است که باید یک رخداد تاریخی را براساس سنن الهی تبیین نماییم؛ زیرا اولاً این سنن همواره قوانینی ثابت برای همه جوامع و دوره‌ها دارند و تغییرناپذیرند: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۱</sup> ثانیاً مشتمل بر قوانین علمی نیز می‌باشند.

در تحلیلی که قرآن کریم از جنگ احد ارائه کرده، به اراده قاهره و حکمت خدا در تاریخ اشاره شده است. در دیدگاه قرآن، اساساً پیروزی و شکست از ناحیه خداست که از آن تحت عنوان یک سنت الهی یاد می‌کند؛ به طوری که خدا به رسولش می‌گوید: این شکست از ناحیه سنت وی بوده است که قوانین خاص خود را دارد: «تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»<sup>۲</sup>؛ چنان که در علت پیروزی و اسباب و عوامل مربوط به آن، معیار قرآن فراتر از اسباب ظاهری است: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۳</sup>.

در سوره انفال جنگ بدر مورد تبیین قرار گرفته است و قرآن در این باره نکته‌های بسیاری را بیان می‌دارد؛ مانند نصرت الهی، تأثیر فرشتگان در پیروزی، مشخص شدن ناپاک از پاک، دخالت خدا در غلبه حق، راز و رمزهای غیبی، فریب‌های شیطانی و ... در ادامه نیز از سنت‌ها سخن به میان می‌آید؛ «داب» یا همان روشی که قبلاً در تاریخ زندگی آل فرعون هم بوده و شکست و نابودی یا همان تغییر نعمت‌ها براساس سنن مشروطی مثل سپاسگزاری و یا ناسپاسی نعمت‌های الهی.

قرآن کریم درباره منشأ حوادث، مسائل ماوراءالطبیعه، به‌ویژه اراده مستقیم الهی را در امور دخیل می‌داند و از علل مادی و به‌اصطلاح «ظاهر»، به علل و عوامل معنوی یا «باطن» وارد می‌شود. از دیدگاه قرآن، تبیین جریانات و حوادث باید متوجه این عمل به‌اصطلاح درونی باشد. بنابر آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»<sup>۴</sup> می‌توان ترکیبی از «ظاهر» و «باطن» را در نظر داشت که فراتر از علوم و عقول ظاهری است و تنها براساس سنن الهی حاکم بر جامعه و تاریخ قابل فهم می‌باشد.

## نتیجه

روش‌هایی که فیلسوفان در تبیین ابداع نمودند، در فهم و شناخت منطقی روایت تاریخ مؤثر گردید. این روش‌ها، به‌ویژه روایی، علمی، تفسیری (هرمونتیکی) و قیاسی، شباهت‌هایی با روش‌هایی که در

۱. فاطر (۳۵): ۴۳.

۲. آل عمران(۳): ۱۴۰.

۳. بقره (۲): ۲۴۹.

۴. انفال (۸): ۱۷.

قرآن هست، دارند. اندیشمندان قرآنی، اعم از مورخ و مفسر، دارای روش‌ها و شیوه‌هایی در تبیین بوده‌اند که آن را از آموزه‌های قرآن کریم الهام گرفته‌اند و در آنها عقل، علم، تفکر و تدبیر که مورد تأکید قرآن است، به کار گرفته شده است.

قرآن کریم دو آموزه مهم درباره تاریخ‌نگاری دارد؛ اولاً تعلیمش درباره روایت و نقل تاریخ آن است که از مسائلی مانند غلو، کتمان، تحریف، اسطوره‌سازی و امثال آن پرهیز شود؛ ثانیاً قرآن اجازه تفسیر تاریخی را می‌دهد، اما با شرایط و قواعد مخصوص به خود؛ زیرا روش‌های قرآنی قواعد منظم دارد و از جهت دیگر، اندیشه و فکر انسان باید به‌دور از تفسیر به رأی باشد؛ به‌عبارتی همان موضوع مهم عدم دخالت دادن فکر و ذهنیات مورخ در تاریخ. زبان قرآن و نیز روش‌های مفسران که الهام‌گرفته از قرآن بود، در استفاده از این روش مؤثر بوده است. علاوه بر آن، محققان اسلامی در تفسیر مسائل تاریخی به عناصر مهمی مانند فهم و ذهن سلیم و به‌کارگیری عقل و علم در روایت از دیدگاهی فراتر از علل و عوامل مادی می‌نگرند. مهم‌ترین ویژگی‌های روش قرآن در تبیین تاریخی به قرار ذیل است:

۱. روش تفسیری که در آن براساس اصول و قواعدی معین که برگرفته از زبان خود قرآن است و نیز علم و عقل و ... ، مسائل تاریخی توصیف و توضیح داده می‌شود که بسیار روشن‌گر است.
۲. تفسیر روایی؛ در این شیوه از روایات رسیده از معصومین علیهم‌السلام و راسخان در علم و نیز از اهل ذکر که صاحبان اندیشه و اهل وثوق‌اند، باید استفاده شود که قواعد آن در علوم مربوط به تفسیر آمده است: «فستلوا اهل الذکران کنتم لا تعلمون».
۳. در روش عقلانی اولاً تأکید بر عدم اعمال نظر شخصی و تفسیر به رأی است و بر آزاداندیشی و عدم تعصب توجه شده است؛ به‌ویژه مسئله پیش‌فرض‌ها که همواره می‌تواند رهن اهل تاریخ باشد و موجب قضاوت‌های ناصحیح شود. ثانیاً، موارد عقلی باید از قطعیات و بدیهیات باشد.
۴. یکی از ویژگی‌های مهم قرآن، سازگاری آن با علوم مختلف می‌باشد. قرآن کریم برای تبیین علمی، به شیوه علوم تجربی به علل و عوامل پیدایش یک رویداد توجه دارد؛ اما شروطی برای آن دارد که محقق دچار تبیین صرفاً علمی نگردد. قرآن بر آگاهی از عوامل حقیقی یا چرایی و چگونگی (کیف) تأکید دارد که خود بیانگر احاطه کامل به علل و عوامل مؤثر در یک رخداد می‌باشد.
۵. روش قرآنی در توصیف جریانات و مسائل تاریخی به‌گونه‌ای است که یک واقعه و یا جریان در چند جای مختلف ذکر می‌شود، اما روایت قطع شده و موضوع دیگری طرح می‌شود. این قطع و تکرار می‌تواند بیانگر این نکته مهم باشد که رخدادهای تاریخی همواره قابل تأمل‌اند. سوق دادن مخاطب به تفکر و تدبیر در دنباله موضوع باشد که همواره بیان کاملی از آن جریان را اقتضا می‌کند.



تأکید ویژه قرآن کریم بر زمان و مکان و همچنین اسامی اشخاص و اقوام خاص، به‌ویژه در روایات مربوط به پیشینیان و اسرائیلیات، خود تبیین‌گر بوده و درباره آنها استدلال منطقی نموده و مخاطبان را به تحقیق و سؤال از «اهل ذکر» رهنمون گردیده است.

۶. در قرآن کریم، تبیین به‌معنای «فهم» رفتار عاملان تاریخی و نیز انگیزه‌های آنان قابل بررسی است. در کلام الهی از اعمال و رفتار انسان‌ها و مهم‌تر از آن، انگیزه و نیت افراد سخن به میان آمده است. در بسیاری از آیات، به‌ویژه در مسائل تعیین‌کننده مانند جنگ، صلح و موارد سرنوشت‌ساز که انسان‌ها باید مورد آزمایش قرار گیرند و ماهیت اصلی و درونی خود را آشکار سازند و به‌اصطلاح حق و باطل و یا مؤمن و منافق مشخص گردد، خداوند آن را برای پیامبر ﷺ تبیین نموده است؛ مانند گفتگوی خدا با پیامبرش درباره پیروزی‌ها و شکست‌های بدر، احد و خندق و دیگر رویدادهای آن دوره که درباره منافقان و انگیزه‌های آنان و همچنین نیت درونی مؤمنان به آنها اشاره شده است. همه این مسائل در قالب سنن حاکم بر جامعه دینی قابل تبیین می‌باشد که قبلاً میان سایر امم موجود بوده است و قرآن از آن با لفظ «داب» یاد کرده که می‌توان برای آنها قواعد و ضوابطی براساس سنن لایتغیر الهی در نظر گرفت.

#### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸.
۳. آینه‌وند، صادق، علم تاریخ در اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
۴. \_\_\_\_\_، تاریخ اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۶۷.
۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، بی‌تا.
۷. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۸. ادواردز، پل، مجموعه مقالات دایرة‌المعارف فلسفه، بهزاد سالکی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
۹. استنفورد، مایکل، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه مسعود صادقی، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۱۰. بابایی، علی‌اکبر، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۹.

- ۹۸ □ فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۱ و ۲، زمستان ۸۹ و بهار ۹۰، ش ۱ و ۲
۱۱. \_\_\_\_\_، مکاتب تفسیری، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
  ۱۲. برلین، آیزایا، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸.
  ۱۳. جمعی از نویسندگان، ویژه‌نامه اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.
  ۱۴. جواد علی، تاریخ مفصل قبل از اسلام، ترجمه محمدحسین روحانی، بابل، کتابسرای بابل، ۱۳۶۷.
  ۱۵. خاتمی، محمود، پدیدارشناسی دین، تهران پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
  ۱۶. خرماهی، بهاء‌الدین، فرهنگ و اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
  ۱۷. رازی، ابوالفتح، تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۶، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
  ۱۸. رجیبی، محمود، روش‌شناسی تفسیری قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
  ۱۹. رسولی محلاتی، سید هاشم، تفسیر نورالثقلین، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۲.
  ۲۰. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
  ۲۱. سجادی، سید صادق و هادی عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
  ۲۲. سعیدی‌روشن، محمدباقر، علوم قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۷۹.
  ۲۳. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، قم، منشورات الشریف الرضی، بی‌تا.
  ۲۴. صدر، محمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی، تهران، نشر تفاهم، ۱۳۸۱.
  ۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، محمدی، ۱۳۶۲.
  ۲۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
  ۲۷. فروند، ژولین، آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
  ۲۸. فلیسین، شاله، شناخت روش علوم یا فلسفه علمی، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۵۸.
  ۲۹. فی، برایان، فلسفه‌ی امروزی علوم اجتماعی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
  ۳۰. لیتل، دانیل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۶.
  ۳۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۸۲.
  ۳۲. مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، قم، صدرا، ۱۳۷۱.

۳۳. معارف، مجید، «روش قرآن در طرح وقایع و سرگذشت‌های تاریخی»، *فصلنامه صحیفه مبین*، ش ۳۹، زمستان و بهار ۸۶ - ۱۳۸۵.
۳۴. مفتخری، حسین، «توصیف، تبیین و تفسیر در تحقیقات تاریخی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۴۶، تیر ۱۳۸۹.
۳۵. مفتخری، حسین، *مبانی علم تاریخ*، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم، چاپخانه امیرالمؤمنین، ۱۳۶۴.
۳۷. ملکیان، مصطفی، «روش‌شناسی در علوم سیاسی» (گفتگو)، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۴، ۱۳۸۰.
۳۸. منافزاده، علیرضا، «سرچشمه‌های تحولی شگرف در شیوه تاریخ‌نگاری درباره مکتب آنال»، *مجله نگاه نو*، شماره ۲۸، اردیبهشت ۱۳۷۵.
۳۹. مؤدب، سید رضا، *مبانی تفسیر قرآن*، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۶.
۴۰. نراقی، یوسف، *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵.
۴۱. والش، اچ. دبلیو، *مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ*، ترجمه ضیاءالدین علانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۴۲. هیوز وارینتگتن، ماری، *پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ*، ترجمه محمدرضا بدیعی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
43. Collingwood, R. G., *The idea of history*, revised edition, W. J. Van der Dussen (ed) Oxford: oxford university press, 1993.
44. Giambattista Vico, C. Miller, *Imagination and Historical knowledge*, Basingstoke: st Martin's press, 1993, chaps 1, 7, P. 68 – 9.
45. Rickman, H. P., *Wilhelm Dilthey: Pioneer of the Human Studies*, London: Paul Elek, 1979.